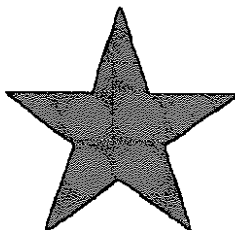


---

کارگران جهان متحد شوید!

---



برنامه  
حزب کمونیست

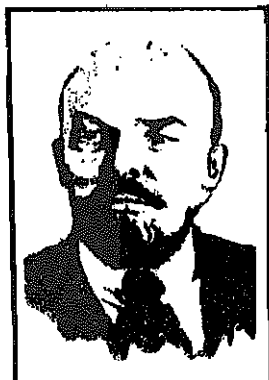
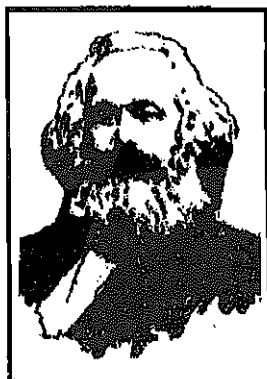
مصوب :

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له

اردیبهشت ۱۳۶۱

اتحاد مبارزان کمونیست

---



# برنامه

## حزب کمونیست

مصوب :  
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله -  
اتحاد مبارزان کمونیست

اردیبهشت ۱۳۶۱

چاپ اول

کمونئیستها همیشه ملزم بوده‌اند که نظرات، اهداف و  
تمايلات خود را به روشن‌ترین وجه بیان دارند و موقعیت  
کنونی انقلاب ایران، نیاز طبقه کارگر ایران به رهبری  
مصمم و انقلابی و وجود احزاب و نیروهای متعدد بورژوازی  
در ایران و جهان که ریاکارانه تحت نام کمونیسم سخن  
میگویند، ادای این وظیفه را بیش از پیش می‌برم ساخته  
است.

ما در پاسخ به این وظیفه، مبرم اعلام میداریم که بر  
تئوری مارکس، انگلس و لنین اتکا داریم و بر صحت و  
حقانیت آموزشهای این تئوری پای می‌فشاریم. این تئوری  
راه مبارزه، مبارزه را روشن نموده است. این تئوری  
اهداف و شیوه‌های کمونیست‌ها را توضیح داده و تأکید کرده  
است که وظیفه حزب پرولتری برنامه‌پردازی برای  
نوسازی و اصلاح سرمایه‌داری و موعظه خوانی برای سرمایه‌داران  
درباره بهبود وضع کارگران نیست، توسل به فریب و  
دسیسه و معامله‌گری برای نیل به قدرت نیست، بلکه  
سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رهبری  
این مبارزه در تمام وجوه آنست. مبارزه‌ایکه تصرف  
قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و سازمان دادن جامعه  
سوسیالیستی، هدف نهائی آن را تشکیل میدهد.

ما کمونیستها منافع جدا از منافع طبقه کارگر  
نداریم و معتقدیم که طبقه کارگر به نیروی خود آزاد  
میگردد، پس وظیفه خود را این قرار داده‌ایم که در همه جا  
تفاد منافع کارگران و سرمایه‌داران را افشاء کنیم،

مبانی استثمار و مشقات طبقه کارگر در نظام سرمایه داری را روشن نمائیم و مبارزه طبقاتی کارگران را در جهت پیروزی انقلاب اجتماعی پرولتاریا، که نه تنها طبقه کارگر بلکه تمام بشریت را رها خواهد ساخت، سازماندهی و رهبری کنیم.

از این رو ما برنامه خود را اعلام میداریم، طبقه کارگر را به مبارزه حول آن فرامیخوانیم و برای تبدیل احکام و مبانی آن به پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران پیگیرانه مبارزه میکنیم.



۱. ایران کشوری سرمایه داری است. اصلاحات ارضی دهه چهارم جریان طولانی و کند تحول شیوه تولیدی ایران از فئودالی به سرمایه داری را به فرجام رسانید. اصلاحات ارضی، میلیونها روستائی را که در نتیجه آن خلع ید شده بودند به بازار کار مزدی، عمدتاً در شهرها و به درجه کمتری در روستا، روانه کرد و آن ارتش وسیع کارگران مزدی را که شرط لازم تسلط تولید و استثمار سرمایه داری است، بوجود آورد. این خلع ید که اساساً بر مبنای نیازهای سرمایه امپریالیستی صورت گرفت، ایران را بمثابة یک کشور تحت سلطه امپریالیسم به جرگه کشورهای سرمایه داری کشانید.

بدینسان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه داری، مبارزه استثمارشوندگان علیه استثمارکنندگان بر محور مبارزه پرولتاریا و بورژوازی بمثابة طبقات اصلی جامعه شکل

۲ .

خملت جهانی نظام سرمایه‌داری به جنبش عظیم طبقه کارگر برای رهایی ، ناگزیر خملتی جهانی می‌بخشد . مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه‌داری مبارزهای بین‌المللی است ، اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار را با بورژوازی کشور خود بکسره کند .

۳ .

ما خود را بخشی از جنبش طبقه کارگر ایران و به این اعتبار جزء یکی از گردانهای ارتش جهانی طبقه کارگر میدانیم ، و برای همان هدفی مبارزه میکنیم که کمونیستهای سراسر جهان پیش‌روی خود قرار داده‌اند . این هدف که بوسیله خصوصیات بنیادی جامعه سرمایه‌داری و روند تکوین و توسعه آن معین گشته است ، برچیدن نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم است .

۴ .

نظام سرمایه‌داری منشاء عوامل بقای تمام مشقات و محرومیت‌های مادی و معنوی و موقعیت ناامن و نابسامان کارگران و توده‌های زحمتکش و تهیدست در سراسر جهان است . این نظام مسبب فقر و فلاکت و قحطی ، بیکاری و بی‌خانمانی و جنگ ، تبعیضات اجتماعی و بی‌حقوقی سیاسی ، تبعیض نژادی ، ستم‌ملی و ستم‌کشی زن ، جهل ، فحشاء و اعتیاد و کلیه مآثبات گریبانگیر توده‌ها است .

خصوصیت اصلی این نظام کالا شدن نیروی کار و استثمار کارمزدی است . در این نظام بخش اعظم عمده‌ها و وسائل تولید و مبادله در مالکیت خصوصی و یا تحت اختیار طبقه‌ای است که اقلیتی ناچیز را در جامعه در بر میگیرد و برای کسب سود هر چه

بیشتر، اکثریت عظیم جامعه را که عمدتاً از پرولتسرها و نیمه پرولترها تشکیل می‌شود که برای ادامهٔ حیات دائماً یا متناوباً ناچار از فروش نیروی کار خویش هستند، استثمار می‌کند. در این نظام هر قدر کارگران بیشتر و شدیدتر کار می‌کنند و به ثروت اجتماعی می‌افزایند، سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می‌یابد؛ هر چه سرمایه قدرتمندتر می‌شود، توده‌های وسیع کارگروزمحتکش به نابسامانی و محرومیت‌های اجتماعی عمیقتری دچار می‌گردند.

رقابت و هرج و مرج تولید اجزاء لاینتمت‌زای تولید سرمایه‌داری هستند و دقیقاً از درون و مجرای این هرج و مرج تولید است که قوانین کوراقتصادی جامعه سرمایه‌داری، خود را اعمال می‌کنند و نتایج و عواقب فلاکت‌بار خود را به بار می‌آورند. همراه با انباشت و تمرکز ناگزیر و روزافزون سرمایه، از یکسو استثمار توده‌های کارگرددت می‌یابد و از سوی دیگر اقشار هر چه وسیعتری از تولیدکنندگان خرد به ورشکستگی کشیده شده و به صفوف طبقه کارگراننده می‌شوند و یا در شرایط فلاکت‌باری به سرمایه وابسته می‌گردند. همچنین بحران‌های اقتصادی ادواری و مکرر سرمایه‌داری که نتیجهٔ اجتناب‌ناپذیر تضاد ذاتی این نظام، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت پروسائل تولید است، هر بار بمراتب به ابعاد مشقات توده‌ها می‌افزاید و شکاف میان فقیر و غنی را عمق و گسترش بیشتری می‌بخشد.

## ۵.

اما نابودی سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است، چه این نظام در سیر توسعه خود ضرورت و شرایط نابودی خود را فراهم می‌آورد. نظام سرمایه‌داری از یکسو بدلیل تضادهای بنیادی اقتصادی‌اش و اساساً از آنرو که همراه با انباشت سرمایه، عرصه

سودآوری هرچه بیشتر به سرمایه تنگ می‌شود، به این بست مبرسد. و از سوی دیگر این نظام در بطن خود گورکن خویش یعنی پرولتاریا را بوجود می‌آورد. در روند توسعه سرمایه‌داری بر شمار کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی طبقه کارگر افزایش می‌یابد، پرولتاریا قدرت خود را بیشتر در می‌یابد و نسبتاً در برابر ضد استثمار کارگران جادتر و پرتوانتر می‌شود. بعلاوه رشد قدرت تولیدی و اجتماعی شدن هرچه بیشتر تولید در نظام سرمایه‌داری، مقدمات و امکان مادی تحقق سوسیالیسم را فراهم می‌سازد.

همراه با توسعه سرمایه‌داری نا رضایتی عمومی از وضع موجود شدت می‌گیرد، اما در مقابل تمام اقشار غیر پرولتر که به درجات مختلف در حفظ بنیادهای سرمایه‌داری ذینفعند، این تنها پرولتاریاست که بدلیل جایگاه ویژه خود در تولید اجتماعی، تنها طبقه تا آخر انقلابی و قادر به نابودی نظام سرمایه‌داری است.

## ۶.

انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا از استثمار کارگران خلق پید میکند و وسائل تولید و مبادله را که با کار و تلاش و به قیمت مشقات و محرومیت‌های میلیونها کارگر و زحمتکش بوجود آمده‌اند، از مالکیت خصوصی و اختیار طبقه سرمایه‌دار خارج کرده و در اختیار کل جامعه قرار می‌دهد. جایگزینی مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی امکان می‌دهد که نیروهای مولد عظیم و دستاوردهای مادی و معنوی گوناگون جامعه در همه زمینه‌های علوم، تکنولوژی و فرهنگ که در نظام سرمایه‌داری تنها در جهت سودآوری هرچه بیشتر سرمایه به کار گرفته می‌شوند، در خدمت رفع نیازهای مادی و معنوی توده مردم درآیند. رقابت جای خود را به تعاون و همکاری همگانی می‌دهد و تولید سوسیالیستی سازمان یافته و برنا مهربی

شده بجای هرج و مرج تولید سرمایه داری می نشیند .

بدین ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا به تمامی اشکال بهره کشی بخشی از جامعه زبخت دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و استثمارشونده و طبقات بالادست و فرودست پایان میدهد و حداکثر رفاه و ارتقاء همه جانبه زندگی آحاد مردم را تأمین میکند . بدین سان انقلاب اجتماعی پرولتاریا بشریت را بسط میدهد . جامعه کمونیستی رهنمون میشود . جامعه ای که در آن همراه با طبقات ، دولت نیز زوال یافته و بشریت برای نخستین بار بر سر سازمان اجتماعی خود مسلط خواهد شد و در نتیجه به معنای واقعی آزاد خواهد گشت .

۷

شرط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم ، درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوازی ، تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتور پرولتاریا است . دیکتاتور پرولتاریا ، پرولتاریای سازمان یافته به مثابه طبقه حاکمه است . این دولت نوین وظیفه به فرجام رساندن انقلاب اجتماعی و سرکوب مقاومت استثمارگران را بعهده دارد . دیکتاتور پرولتاریا ، دمکراسی بسطی کارگران و توده های وسیع زحمتکش و ستمدیده و سرکوب برای استثمارگران است و این کاملترین و عالیترین نوع دمکراسی است .

۸

برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود نائل شود باید که حزب مستقل طبقاتی و ستاد رهبری کننده مبارزه خود علیه سرمایه داری ، یعنی حزب کمونیست را برپا دارد . حزبی که با اتکا بر تئوری مارکس ، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه



طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری مینماید. حزبی که علاوه بر این، چاره ناپذیری مشقات و محرومیت های ساپرتوده های تحت ستم و استثمار در چهارچوب نظام سرمایه داری را برای آنان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهایی کامل، به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فرامیخواند.

## ۹.

از ابتدای قرن بیستم سرمایه داری به مرحله امپریالیسم پانهادهاست. امپریالیسم یا مرحله انحصاری سرمایه داری، عصری است که در آن انحصارات و سرمایه مالی سیادت بدست آورده و رقابت آزاد میان اقشار و احاد سرمایه راجت الشعاع خود قرار میدهد. در عصر امپریالیسم صدور سرمایه بمنظور کسب فوق سود، یعنی سودی مافوق آنچه انحصارات از بهره کشی از کارگران کشورهای امپریالیستی بدست می آورند، اهمیت فوق العاده ای پیدا میکند و تمام کشورهای جهان زیر یوغ سرمایه و امپریالیسم کشیده میشوند. در این عصر سراسر جهان از طرف انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولت های امپریالیست از نظر اقتصادی و ارضی تقسیم میگردد. جنگ های امپریالیستی که در ادامه کشمکش ها و رقابت های سبعانه میان انحصارات و دول امپریالیستی مختلف بخاطر استیلاء بر جهان و با تجدید تقسیم آن، بمنظور تسلط بر بازارهای کار و کالا و منابع مواد خام و به قصد انقیاد و الحاق ملت های کوچک و ضعیف تر برپا میشوند، در این عصر اجتناب ناپذیرند. دو جنگ جهانی و خانمان برانداز اول و دوم به همین منظور برپا شدند.

تشدید بحرانها و بیکاری و خانه خرابی مزن میلیونها

انسان در سراسر جهان، سرکوب مستمرو خونین کارگران و خلقهای تحت ستم کشورهای مختلف، میلیتاریسم و ارتجاع سیاسی در اشکال گوناگون، همه‌بیا‌نگر این واقعیت است که امپریالیسم بمانابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری تمام خصوصیات استثمارگرانه و تضادهای بنیادی اقتصادی این نظام و نیز تمام ستمگری‌ها و مشقات ناشی از آن را شدت می‌بخشد.

نظریه عوامل فوق، امپریالیسم نه تنها بالاترین مرحله سرمایه‌داری، بلکه مرحله گنبدگی، احتضار و زوال آن نیز هست. عصر امپریالیسم در عین حال عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریاست.

## ۱۰

یکی از موانع اصلی سدره مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم، رویزیونیسم است. رویزیونیسم یک پدیدۀ بین‌المللی است و با وجود اینکه در هر کشور ممکن است مضمون و شکل ویژه‌ای بخود بپذیرد، اساساً به معنای عدول از مبانی تئوری و برنامه انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و تحریف بورژوازی آن است که در زمینه سیاسی به معنای نفی مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریاست. رویزیونیست‌ها و احزاب مختلف رویزیونیست که در کشورهای مختلف نمایندگان فکری و عاملین نفوذ بورژوازی در صفوف جنبش انقلابی طبقه کارگر میباشند، نقشی جز کشانیدن پرولتاریا به زیر سلطه بورژوازی ندارند. لذا، مبارزه برای سوسیالیسم از نقطه نظر پرولتاریای انقلابی از مبارزه علیه رویزیونیسم و اشکال متنوع آن جدا نیست. رویزیونیسم در سطح بین‌المللی امروزه عمدتاً در اشکال رویزیونیسم مدرن (خروشچفنی)، رویزیونیسم "سه‌جهانی"، "کمونیسم اروپائی" و تروتسکیسم به‌خیانت خود به طبقه کارگر ادامه می‌دهد. بعلاوه رویزیونیسم

پوپولیسیتیسی نیز بمثابة رادیکالیسم خرده بورژواشی تحت پوشش مارکسیسم، بویژه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم امروزه بیه مانع مهمی بر سر راه استقلال و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در اینگونه کشورها بدل شده است.

مقابله با قطب های جهانی رویزیونیسم و ایجاد ستاد رهبری پرولتری در سطح جهان که مبارزه طبقه کارگر در کشورهای مختلف را تحت پرچم مارکسیسم - لنینیسم هدایت، سازماندهی و هماهنگ نماید، یک وظیفه اساسی کلیه احزاب و نیروهای کمونیست در سراسر جهان است. تحقق این امر درگرو تلاش برای ایجاد یک بین الملل نوین لنینی است و ما به سهم خود در این راه پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد.

در دوره اخیر جنبش کمونیستی ایران، مارکسیسم انقلابی توانسته است در جریان مبارزه با رویزیونیسم پوپولیسیتی بعنوان اولین مانع در راه تشکیل حزب کمونیست، هویت ایدئولوژیک و سیاسی مستقل خود را تثبیت کرده و سرانجام پرچم بی‌نایب لنینی را برافرازد. ایجاد حزب کمونیست مستلزم تداوم این مبارزه است. ما موفقیت طبقه کارگر ایران را در ایجاد آنچهان حزب نیرومندی که توده های کارگر را وسیعاً تحت پرچم خود متشکل کند و پرولتاریای ایران را در ایفای نقش تاریخی اش در انقلاب حاضر و تحقق انقلاب سوسیالیستی هدایت نماید، درگرو مبارزه قاطع با اشکال مختلف رویزیونیسم در جنبش کارگری و کمونیستی و تصفیه کامل این جنبش از کلیه انحرافات رویزیونیستی میدانییم و شرکت فعالانه و پیگیر در این مبارزه را وظیفه اصلی و حیاتی خود بشمار می آوریم.

۱۱

حاکمیت رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی به شکست و

عقب رانده شدن طبقه<sup>۴</sup> کا رگرجهانی از یک سنگرمهم خودانجامیده است. اکنون بورژوازی در شوروی موفق شده است که دیکتاتور پرولتاریا را از زمین ببرد و حاکمیت سیاسی خود را در این کشور احیاء نماید. حزب کمونیست شوروی به حزبی بورژواژی بدل شده است و بورژوازی با اتکا بر آن، پیشروی اولیه<sup>۵</sup> پرولتاریای شوروی در جهت ساختن سوسیالیسم را به شکست گشاییده و سرمایه داری انحصاری دولتی را در این کشور مستقر نموده است. شوروی کشوری امپریالیستی است و بورژوازی شوروی در رأس یکی از اردوگاههای امپریالیستی جهان، با اتکاء بر سیاستهای تجا و زگرانه و میلیتاریستی برای به انقیاد کشیدن ملل ضعیف و حفظ و تحکیم موقعیت خود در تقسیم امپریالیستی جهسان تلاش میکند و در عین حال میکوشد تا با تکیه بر تحریفات رویزیونیستی مارکسیسم به منظور حفظ حاکمیت خود بر پرولتاریای شوروی و کشورهای تحت سلطه<sup>۶</sup> خویش و به انحراف کشیدن جنبشهای کارگری و انقلابی در سراسر جهان، ماهیت امپریالیستی و ضدانقلابی خود را تحت نام سوسیالیسم و مارکسیسم پنهان سازد. شوروی امروز پرچمدار و نقطه اتکاء رویزیونیسم خروشچنی است و دفاع این کشور از برخی فرمهای اقتصاد بورژواژی در کشورهای تحت سلطه - فرمهایی که در عصر انقلابات پرولتری ماهیتاً ارتجاعی اند - سیاستی ریاکارانه در جهت به انحراف کشیدن جنبشهای ضد امپریالیستی و ابزاری برای گسترش و تحکیم موقعیت خویش در رقابت های جهانی امپریالیستی است.

در چین نیز با تسلط قطعی رویزیونیسم بر حزب کمونیست این کشور، طبقه<sup>۴</sup> کارگر بطور کامل از قدرت سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه داری در آن تحکیم یافته است. امروزه چین به اردوگاه ضد انقلاب امپریالیستی جهان تعلق دارد و پرچمدار و نقطه اتکاء رویزیونیسم "سه جهانی" و در

کنار امپریالیسم امریکا عمدتاً مدافع عربیان ترین اشکال  
ارتجاع بورژوازی است .  
اما؛ علی‌رغم همه شکست‌های موقتی که بورژوازی و امپریالیسم  
بر طبقه کارگر و توده‌های ستمکش تحت رهبری او تحمیل کرده‌اند ،  
و علی‌رغم تمام موانعی که بر سر راه انقلاب پرولتری قرار می‌دهند ،  
مبارزه طبقاتی پرولتاریا ادامه یافته و پیروزی نهایی او  
اجتناب‌ناپذیر است .

## ۱۲

نظریه و ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای  
مختلف ، کمونیست‌ها برای رسیدن به هدف نهایی و مشترک خود  
ناگزیرند در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متفاوتی را در  
دستور کار خود قرار دهند . امپریالیسم بنا بر ماهیت خود  
تقسیم‌بندی پایه‌ای عمده‌ای در جهان بوجود آورده است : کشورهای  
امپریالیست و کشورهای تحت سلطه . امپریالیسم که مبارزه طبقاتی  
در هر یک از آنها از شرایط خاص خود برخوردار است . رئوس کلی  
این تفاوتها بقرا زیر است :

در سطح اقتصادی، امپریالیسم در کشور تحت سلطه شدیدترین  
شرایط استثمار را بر طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش اعمال  
می‌کند ، در حالیکه در کشور امپریالیست دقیقاً به تکیه همین  
استثمار و حشانه و کسب سودهای کلان پایه‌های مادی ایجاد اشرافیت  
کارگری یعنی بخشی از طبقه کارگر که مستقیم و غیرمستقیم  
از این فوق سود بهره‌مند می‌شود را بوجود می‌آورد .

در سطح سیاسی، در کشور تحت سلطه ، دیگر توده‌های زحمتکش  
این قابلیت را دارند که در کنار طبقه کارگر به مبارزه انقلابی  
کشیده شوند ، در صورتیکه در کشور امپریالیست بخش معینی از خود  
طبقه کارگر یعنی اشرافیت کارگری خصلت انقلابی خود را

از دست می‌دهد و به پایهٔ مادی نفوذ و بقای ایدئولوژی بورژوازی در طبقهٔ کارگروا زمانه‌های سیاسی آن بدل میگردد. امپریالیسم در کشور تحت سلطه عمدتاً با تکیه بر دیکتاتور عریان و نفیسی دمکراسی در تمام ابعاد آن، حاکمیت بورژوازی را سرپا نگاه میدارد، حال آنکه در کشورهای امپریالیست نفوذ وسیع جریانات رویزیونیستی، رفرمیستی و پورتونیستی در جنبش طبقهٔ کارگر به بورژوازی امکان میدهد تا شکل دمکراسی بورژوازی را بمشابه پوششی برای اعمال قهر طبقاتی خود همچنان حفظ کند.

با اینکه در کشورهای سرمایه‌داری تحت سلطهٔ امپریالیسم نیز سوسیالیسم تنها یا سخ انقلابی و قطعی به سرمایه‌داری محتضر عصر امپریالیسم است، اما تحقق آن در این کشورها از طریق یک سلسله انقلابات و قیام‌هایی بوقوع می‌پیوندد که به اشکال مختلف راه‌تسخیرنهایی قدرت توسط پرولتاریا را هموار میکنند. لذا جنبش‌ها و انقلابات دمکراتیک و رها شیخ در کشورهای تحت انقیاد امپریالیسم، نظیر مبارزات انقلابی ملل تحت ستم در سراسر جهان برای کسب حق تعیین سرنوشت، همگی در عصر کنونی نیروی ذخیره و اجزاء بالقوهٔ انقلاب سوسیالیستی جهانند. پرولتاریا بشمار میروند.

۱۳

ایران کشوری سرمایه‌داری و تحت سلطهٔ امپریالیسم است. خصلت مشخصهٔ مناسبات تولیدی آن را استثمار شدید و وسیع نیروی کار ارزان طبقهٔ کارگر تشکیل میدهد. بهره‌کشی از این نیروی کار ارزان جزء لاینفک و شرط ضروری انباشت متعارف سرمایه در ایران است. این شرایط و مناسبات، که منبای آنرا سلطهٔ امپریالیسم بر تولید اجتماعی و بازار داخلی تشکیل میدهد، سرمایه‌های غیرانحصاری را، علیرغم رقابتی که بر سر تملک دسترنج طبقه کارگرو

توده‌های زحمتکش غیرپرولتاریا سرمایه‌انحصاری دارند، اساساً در ابقاء سلطه امپریالیسم و انحصارات امپریالیستی بر حیات اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف می‌سازد، یعنی وحدت منسافع بنیادی اقشار مختلف بورژوازی، اعمال انحصاری و غیر انحصاری، در حفظ و ابقاء این شرایط استثمار گسترده و شدید، رقابت‌های درونی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در میان دو قطب پرولتاریا و بورژوازی، طیف گسترده‌ای از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان خرد در شهر و روستا قرار گرفته‌اند که بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند. وجود این خرده‌بورژوازی وسیع، یک ویژگی مهم تقسیم‌بنیادی طبقاتی در ایران است. بخش مهمی از این خرده‌بورژوازی، عمدتاً در شهرها، از آنجا که توانسته‌است در حاشیه و سایه سرمایه‌های بزرگ و انحصاری صنعتی و تجاری به کسب و کار بپردازد، در سالهای اخیر از موقعیت اقتصادی مساعدی برخوردار بوده‌است. اما توده وسیع‌تری از این خرده‌بورژوازی و عمدتاً تولیدکنندگان کوچک روستائی با رشد سرمایه‌داری در ایران بطور روزافزونی به ورطه ورشکستگی و فلاکت کشیده شده‌اند. قسمت اعظم اضافه‌محصول این تولیدکنندگان خرد بطریق مختلف توسط سرمایه‌های تجاری و ربائی و بانکها و غیره تصاحب می‌شود. سطح معیشت این اقشار نیز اساساً در رابطه با نیازهای سرمایه به منابع وسیع نیروی کار ارزان به حد بسیار نا زلی کاهش می‌یابد. این زحمتکشان غیرپرولتاریا که مستمراً در معرض جدائی از وسائل کسب و کار خود و پیوستن به صفوف کارگران مزدی قرار دارند، غیر مستقیم و بالقوه جزئی از ارتش ذخیره کار در کشور بشمار می‌روند.

ایران از نظر اقتصادی اساساً حوزه‌ای برای سودآوری کلان سرمایه‌انحصاری و انحصارات امپریالیستی محسوب می‌شود که در حال حاضر در تقسیم موجود جهان میان دول دست‌بندی‌های

اقتصادی و سیاسی امپریالیستی جزء حیطة نفوذ و سلطه امپریالیسم  
امریکا و بدرجه کمتری اروپای غربی و ژاپن قرار دارد. نیروی  
کار وسیع و ارزان طبقه کارگر که توده‌های وسیع زحمتکشان فقیر  
غیرپروولتر در شهر و روستا ذخیره عظیمی برای آن بشمار میروند،  
منابع غنی نفتی و دیگر مواد اولیه، بازار وسیعی کسه برای  
محصولات کشورهای امپریالیستی بوجود آمده است و مکان جغرافیائی  
ویژه ایران در مجاورت خلیج فارس از یکسو و شوروی از سوی دیگر،  
همه این عوامل ایران را از نقطه نظر منافع اقتصادی و سیاسی  
امپریالیستها از اهمیت حیاتی برخوردار میسازد.

امروز موقعیت ایران بمثابه یک کشور تولیدکننده و  
صادرکننده نفت در تقسیم کار جهانی امپریالیسم تشبیت شده  
است. صنعت نفت و درآمد حاصل از تولید و صدور مواد نفتی در  
سرما به داری ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که  
نه فقط سودهای هنگفت و درآمد سرشاری نصیب کارتل‌های نفتی  
میکند، بلکه برای دولت بورژوازی ایران نیز منبع درآمد  
عظیمی بحساب میآید و گردش درآمد‌های نفتی دولت در بازار  
داخلی، چه بصورت مخارج مصرفی دولت و چه در شکل سرمایه‌گذاریها  
و اعتبارات بانکی دولتی و در اشکال گوناگون دیگر، انباشت  
سرمایه در سطح کشور را سرعت و وسعت می بخشد، استثمار طبقه کارگر  
ایران و توده‌های زحمتکش را تشدید کرده و دامنه آن را گسترش  
میدهد و زمینه‌های بسیار مساعدی برای سودآوری کلان سرمایه  
در رشته‌های مختلف تولید و تجارت فراهم میسازد. به این ترتیب  
درآمد نفت در دست بورژوازی بمثابه عاملی در خدمت انقیاد  
اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر طبقه کارگر به بورژوازی و امپریالیسم  
عمل میکند.

حفظ این مناسبات و تداوم موقعیت ایران بمثابه یک  
کشور سرما به داری تحت سلطه امپریالیسم و تحمیل این شرایط



استثما رشدیبرتوده های کارگرو زحمتکش ، برای بورژوازی مستلزم برقرارکردن خشن ترین رژیم های دیکتاتوری و دست زدن به وحشیانه ترین شیوه های سرکوبگرانه است . بعبارت دیگر روبنای متناسب با سرمایه داری ایران ، دولتی مبتنی بر دیکتاتوری ، قهروا رتجاع عریان است .

## ۱۴.

درچنین شرایطی پرولتاریای آگاه و حزب کمونیست او نمیتواند به یک انقلاب بلاواسطه سوسیالیستی دست زند ، بلکه ناگزیر است تا در وهله اول مساعده ترین زمینه ها و پیش شرط های اقتصادی و سیاسی را ، برای هرچه فشرده تر کردن صفوف خود ، برای جلب بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان به زیر پرچم خود و برای حرکت نهائی خود بسوی سوسیالیسم ، از طریق بسک انقلاب دمکراتیک پیروزمند بکف آورد . انقلابی که غیر از پرولتاریا ، اقشار وسیع زحمتکش و ستمدیده غیر پرولتر در آن ذینفع و سهیمند . این انقلاب طلوعه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران و جزء لاینفک آن انقلاب سوسیالیستی جهانی است .

مضمون سیاسی و اقتصادی پیروزی انقلاب دمکراتیک تحقق برنامه حداقل پرولتاریا است .

مضمون سیاسی برنامه حداقل پرولتاریا را در هم شکستن دستگا ه دولتی بوروکراتیک - نظامی بورژوازی و استقرار یک حکومت دمکراتیک که ابزار اعمال اراده و حاکمیت کارگران و زحمتکشان باشد تشکیل میدهد . این حکومت ضامن آنچنان دمکراسی وسیعی خواهد بود که در آن مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی میتواند به آزادانه ترین ، آشکارترین و وسیعترین شکل بسط و تکامل یابد .

مضمون اقتصادی برنامه حداقل پرولتاریا را نفعی عملی

سلطه امپریالیسم بر شرایط زیست پرولتاریا و توده‌های زحمتکش و تهیدست، تأمین رفاه نسبی آنان و رفع موانع اقتصادی بسط مبارزه طبقاتی تشکیل میدهد، که به سهم خود مرپیوسته زحمتکشان غیرپرولتاریا به مبارزه طبقه کارگر برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد.

بنا بر این برنامه حداقل پرولتاریا هم زلحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی برنامه‌های ضدامپریالیستی است که بویژه مناسب‌ترین شرایط اقتصادی و سیاسی مبارزه پرولتاریا برای انقلاب سوسیالیستی را فراهم میسازد.

ما اعلام میکنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دمکراتیک ایران تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری پرولتاریا در صفوف جنبش انقلابی است، و در عین حال تأکید می‌ورزیم که برای پرولتاریای انقلابی و حزب او پیروزی در انقلاب دمکراتیک پایان کار نیست و او از این انقلاب بیدرنگ و درست به میزان نیروی خویش، یعنی نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل، به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد کرد. ما کمونیست‌ها خواهان انقلاب بی‌وقفه‌ایم.

## ۱۵

انقلاب کنونی ایران که برزمینه بحران اقتصادی اواسط سالهای ۵۰ شکل گرفت در اولین مراحل خود با قیام بهمن ماه ۱۳۵۷، رژیم سلطنت را که مدافع آشکارا استثمار و ارتجاع امپریالیستی در ایران بود به زیر کشید. اما بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا و عدم تأمین رهبری او بر جنبش انقلابی، رهبری جنبش در اختیار رجیانیاتی قرار گرفت که از همان پیش از قیام خواستار مصون داشتن دستگاه دولتی بورژوازی از ضربات

انقلاب و حفظ پایه‌های اساسی حاکمیت سرمایه‌ها و امپریالیسم  
در ایران بودند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، به‌مثابه  
یک رژیم بورژوازی، از بدو استقرار خود ممانعت از رشد و گسترش  
انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی و بلاخص جنبش کارگری و کمونیستی  
را در دستور کار خود قرار داده و برای تحقق این هدف ضدانقلابی  
خویش به هر جنابیتی دست زده است.

اگر در ابتدا توهمات وسیع سیاسی و مذهبی توده‌ها به  
رژیم امکان میداد تا سیاستهای ضدانقلابی خود را تحت نام  
انقلاب به پیش برد، اکنون دیگر حربه عوام‌فریبی کارآئی خود  
را از دست داده و جمهوری اسلامی ارکان حاکمیت خود را علناً  
بر ارگانهای سرکوبگر و سیاست‌گشتر، ترور و آماج آشکار در  
سراسر کشور متکی نموده است. یورش وحشیانه، وسیع و سراسری  
رژیم به جنبش انقلابی و جنبش کارگری و کمونیستی و اختناق  
بی‌سابقه‌ای که اکنون بر کشور حاکم نموده است، خصمت ضدکارگری،  
ضددمکراتیک و ضدانقلابی جمهوری اسلامی را بیش از هر زمان برای  
توده‌های وسیع کارگرو زحمتکش برملا نموده است.

رژیم جمهوری اسلامی با استغفار حکومت مذهبی و بکار  
گرفتن قوانین و نهادهای مذهبی برای مشروعیت بخشیدن به  
دیکتاتوری بورژوازی در سرکوب انقلاب، با تلاش در تطهیر و  
بازسازی ارتش و بوروکراسی مافوق مردم و ایجاد ارگانهای  
جدید سرکوب طبقاتی بورژوازی از قبیل سپاه پاسداران،  
باز پس گرفتن دستاوردهای دمکراتیک قیام و ممانعت از اعمال  
اراده دمکراتیک توده‌ها در تعیین سرنوشت و اداره امور خود و  
نیز با تحمیل فقر و فلاکت شدید به توده‌های کارگرو زحمتکش نقش  
ضدانقلابی خود را در خدمت اعاده اوضاع مظلوم بورژوازی و  
امپریالیسم ایفاء نموده است.

بدین سان سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه مبصرم

پرولتاریا و جنبش انقلابی را تشکیل میدهد.



علیرغم تلاشهای بورژوازی و امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران، که با اتکاء بر رژیم جمهوری اسلامی و احزاب و حریانات بورژوازی و ضدانقلابی حامی آن صورت میگیرد، و علیرغم تلاشهای دسته‌بندسهای بورژوازی مخالف رژیم برای بهرکودکشیدن جنبش انقلابی، انقلاب ادامه یافته و برای بسط پیروزمندانها خود، شرکت فعال و آگاهانه پرولتاریا و ارائه آلترناتیو انقلابی او را طلب میکنند.

آن نظام سیاسی که می‌باید با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن گردد نباید جمهوری پارلمانی باشد. تجربه سراسرجهان، و نیز اکنون تجربه ایران، بخوبی ثابت کرده است که پارلمان همچون ارتش، پلیس و دستگاه بوروکراتیک دولت، یعنی ابزارهای حکومت سرمایه‌داران اعم از سلطنتی و جمهوری چیزی جز ابزار سرکوب و تحمیق توده‌ها نیست.

ما برای یک جمهوری دمکراتیک انقلابی مبارزه میکنیم که نتیجه قیام و مبارزه قهرآمیز توده‌ها بوده و مقامت و تلاشهای نیروهای راکه برای حفظ و یا اعاده رژیمهای استبدادی جمهوری اسلامی و سلطنت فعالیت میکنند درهم‌کوبد.

این جمهوری برارکان زیرمتکی خواهد بود:

**الف** - حاکمیت مردم مبتنی بر دمکراسی شورائی

**ب** - برجیده شدن ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای

جدا از مردم و جایگزین شدن آنها با تسلیح

عمومی مردم

**ج** - برجیده شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و

جا یگزینی آن توسط نظام دمکراتیک اداره  
کشور؟

جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران باید نکات زیر را بنحوی  
همه جانبه و بیگیرتضمین کند:

۱- حق حاکمیت مردم؛ اعمال حاکمیت توسط شوراهای مردم  
که همبمنا به قانونگذار و همبمنا به مجری قانون عمل  
خواهند کرد، تشکیل کنگره، سراسری نمایندگان شوراهای  
مردم بعنوان عالیترین ارگان حکومتی کشور؛

۲- برچیده شدن ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح  
حرفه‌ای جدا از مردم و سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی مخفی، تسلیح  
عمومی مردم، تشکیل یک نیروی مسلح منظم بعنوان بخشی  
از تسلیح عمومی مردم که بر اساس یک نظام دمکراتیک  
سازماندهی و اداره میشود، آموزش نظامی مردم در تمام  
سطوح؛

۳- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام  
افراد بالاتر از ۱۶ سال اعم از زن و مرد، حق هرفسرد  
بالاتر از ۱۸ سال برای انتخاب شدن در نهادهای ارگان  
نماینده؛

۴- شرکت مستقیم مردم در اداره امور کشور؛ لغو اکیسد  
انتخاب استانداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران  
از سوی دولت، انتخابی بودن این مقامات در کلیه  
سطوح توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هرگاه که  
اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، افرادی که به  
این ترتیب در موارد مور قرار میگیرند بدون استثناء  
حقوقی برابر دستمزد یک کارگر ماورد دریافت میدارند،  
حق افراد به اقامه دعوی علیه هر مقام دولتی در

## دادگاه‌های عادی؟

۵- انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضایی: قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب‌کنندگان اراده کنند؛ لغو‌کننده هرگونه دادگاه‌های ویژه، علنی بودن کلیه محاکمات؛

۶- نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی؛ لغو‌کننده پیماناسی سری، شناسایی برابری حقوق کلیه ملل و پشتیبانسی مادی و معنوی از جنبشهای انقلابی کارگری، دمکراتیک و ضدامپریالیستی در سراسر جهان؛ افشاء و لغو قرارداد های اسارت با اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی؛

۷- جدایی کامل مذهب از دولت؛ لغو‌کننده؛

هرگونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی و حقوق قانونی افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان، و بیاعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب؛

هرگونه پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به

فعالیتها و موسسات مذهبی؛

هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی اجباری در

مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی؛

هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته

نمیشود، مذهب امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیسه

افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نداشتن

هیچگونه مذهب آزادند.

۸- حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، کلیه ملل ساکنین

ایران آزادند که سرنوشت خویش را بهر شکل و منجمه با

جدایی کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند.

جمهوری دمکراتیک انقلابی باید بر اساس اتحادیه  
داوطلبانه ملتها، و نه الحاق اجباری آنها، تشکیل  
گردد.

لغواکیده هرگونه زبان رسمی اجباری؛ آزادی ملیتها  
وقومها در بکار بردن زبان مادری خویش در مدارس،  
ادارات، رسانه های جمعی و غیره در کلیه نقاط کشور؛

۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی؛ آزادی عقیده، بیان،  
مطبوعات، آزادی اجتماعات، انتخابات، تظاهرات،  
اعتصاب، تحمّن، تشکیل سندیکا، اتحادیه و هرگونه  
تشکل صنفی و سیاسی؛

۱۰- برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و لغو هرگونه  
تبعیض قانونی بر اساس جنسیت؛

۱۱- تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر  
از مذهب و مرام و عقیده سیاسی، رفع هرگونه تبعیض و  
محدودیت قانونی از اقلیتهای مذهبی و رفع هرگونه  
محدودیت در حقوق قانونی افراد بر حسب مرام و عقیده  
سیاسی؛

۱۲- آزادی انتخاب شغل و محل سکونت، آزادی سفر و اقامت  
در تمام نقاط کشور برای کلیه افراد و مصونیت قانونی  
هر فرد و محل سکونت او؛ رفع دخالتهای پلیسی در زندگی  
خصوصی افراد.



در شرایطی که تأمین حداقل معیشت و رفاه، برای کارگران  
مستلزم تن دادن بکارشبانه روزی و شاق و طاقت فرسائی است

که نیرو و تندرستی آنان را تحلیل می برد و امکان و فرصت رشد معنوی و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی را از آنان سلب میکند، ما برای تأمین آسایش و رفاه مادی کارگران و بیمنظور مصون داشتن طبقه کارگرا ز تباهی روحی و جسمی و افزایش توان او در مبارزه برای رهایی قطعی از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری، تحقق نکات زیر را برای کلیه کارگران خواستاریم:

۱- تقلیل کار هفتگی به حداکثر ۴۰ ساعت و مقرر شدن حداقل دوروز تعطیل متوالی در هر هفته برای هر کارگر؛ افزایش مرخصی سالیانه به ۳۰ روز علاوه بر تعطیلات رسمی به پرداخت حقوق و مزایای کامل؛

۲- تعیین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه‌ها و سائل معیشت و رفاه خانواده، ۵ نفری و افزایش سطح دستمزد به متناسب با بالارفتن بهای و سائل معیشت و با در نظر داشتن بهبود سطح زندگی؛

۳- تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی، مخاطرات، وضعیت بهداشتی و دیگر شرایط فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب کارگران؛

۴- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احواله تصمیم نهائی در همه موارد اخراج به رأی مجمع عمومی کارگران و احاد مربوطه؛ نظارت نمایندگان منتخب کارگران بر استخدام؛

۵- ممنوعیت هرگونه اضافه کاری؛

۶- ممنوعیت شب کاری ( ۱۰ شب تا ۶ صبح) در تمام رشته‌ها



به استثنای رشته‌هایی که بدلائل فنی و یا رفاه اجتماعی شب کاری در آنها اجتناب‌ناپذیر است؛ پرداخت دستمزد و مزایای دوبرابر برای کارشبانان، پرداخت حق شیفت برای نوبت کاری؛

۷- ممنوعیت هرگونه کار-مزدی (اعم از قطعه کاری و کار کنتراتی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد بصورت جنسی و غیرنقدی؛

۸- ممنوعیت هرگونه جریمه و کسر دستمزد به بهانه‌های مختلف، پرداخت حقوق برای غیبت‌های موجه، دوران بیماری و نقاهت، زمان اعصاب و هرگونه توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه‌های کارفرما؛

۹- احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار و زمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی جزو ساعات کار کارگران، تأمین هزینه‌های آب و دهان از طرف کارفرما، پرداخت مبلغی معادل دستمزد یکساعت کار بابت زمان صرف شده برای آب و دهان؛

۱۰- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن، مستقل از ملاحظات سودجویانه؛ نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار به هزینه کارفرمایان و دولت؛

۱۱- بیمه کامل کارگران در مقابل مدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار یا خارج از آن رخ دهد و بدون اینکه کارگرنیازی به اثبات قصور کارفرما

و یا مدیریت و احد تولیدی داشته باشد، به هزینه‌ها  
کا رفما بیان و دولت با تشخیص و نظارت نمایندگان منتخب  
کا رگران ؛ پرداخت خسارت به کارگزارانی که در اثر سوانح  
و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو میشوند و  
بسیار توانائی کار کردن را از دست می‌دهند. پرداخت خسرت  
حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به کارگران مـورد  
!خیر،

لغو پرداخت حق بیمه از طرف کارگران ؛

۱۲- تقلیل حداکثر سن بازنشستگی به ۵۵ سال و یا پس از ۲۵  
سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران  
بازنشسته از طرف دولت ؛ پرداخت حقوق و مزایای کامل  
بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان،  
ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش  
سطح دستمزدها ،

در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه‌ها  
و یا دوره‌های مختلف در احتساب پایه حقوق و مزایای  
کارگران ؛

۱۳- مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار برابر ؛

۱۴- ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که از نظر جسمانی برای  
زنان زیان بخش است و ممنوعیت سپردن کار سنگین به  
زنان باردار ، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان  
برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا ؛ مقرر شدن  
دوروز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان بسا پرداخت  
حقوق و مزایای کامل ؛

۱۵- کاهش روزکارمادران شیرده به ۷ ساعت شامل دونوبست  
تنفس و استراحت نیم ساعته در فواصل حداکثر سه ساعته ؛

۱۶- ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان زیر  
۱۸ سال ،

۱۷- تأمین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات  
سازمانی مسکونی، از قبیل : سالن اجتماعات ، سالن  
استراحت ، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین و سالن  
ورزش ، شیرخوارگاه و مهدکودک ، درمانگاه ، کتابخانه  
و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان  
و دولت ،

۱۸- تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاهها و واحدهای  
تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب  
کارگران ،

۱۹- تشکیل دادگاههای حل اختلافات با هیأت منصفه‌ای  
متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در  
موارد اختلاف کارگر و کارفرما ؛ هزینه تشکیل دادگاهها  
باید تماماً بعهده کارفرمایان باشد .

۲۰- تشکیل هیأت‌های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران ؛  
این هیأت‌ها از چگونگی تحقق نکات فوق در کلیه واحدهای  
تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن  
مشغول بکارند ( از جمله خدمات خانگی ) بازرسی و  
حسابرسی خواهند کرد .



همچنین به منظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی که بنوبه  
خودا مرپیوستن سایر حمتکشان جامعه را به مبارزه طبقاتی کارگر  
برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد ، تحقق نکات زیر را مطالبه

۱- بیمهٔ بیکاری مکفی برپایهٔ حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال ؟

۲- تأمین و تضمین مسکن مناسب ( از نظر فضا ، بهداشت و خدمات شهری ) برای کلیهٔ افراد کشور و اقدامات عاجل در این زمینه از طریق : مصادرهٔ کلیهٔ اراضی زمینخواران و اماکن تجملی و زائد شروتمندان ، ساختمانهای ادارات و دوایر دولتی زائد ، هتلها و مهمانسراهای لوکس و اجرای پروژه‌های کوتاه مدت خانه سازی در اراضی مصادره شده به هزینهٔ دولت ، با تشخیص و توسط ارگانهای دمکراتیک مردمی ؟

۳- بهداشت و درمان ملی، رایگان و مناسب برای کلیهٔ افراد و اتباع کشور؛ انحلال طب خصوصی و معاینهٔ اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور؛

۴- آموزش رایگان در کلیهٔ سطوح و برای کلیهٔ افراد؛ اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال؛

۵- ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق محروم، اعم از شهری و روستایی، از قبیل برق، تلفن، لوله‌کشی آب آشامیدنی، حمام، راه، مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات و غیره به هزینهٔ دولت؛

۶- ایجاد مؤسسات خدماتی ویژه به منظور کاهش بار کار خانگی، از قبیل رختشویخانه، غذاخوری، مهدکودک، شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی؛

۷- لغو هرگونه مالیات غیرمستقیم؛

۸- قرار گرفتن کلیهٔ کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که

فاقدتأمین معیشتی ورفاهی ازطریق خانواده میباشند ،  
تحت تکفل دولت وهمچنین تأمین زندگی ورفاه معلولین  
وسالخوردگان توسط دولت ؛

۹- لغو هرگونه عوارض دولتی درمواردی چون شیت تولد ،  
ازدواج وطلاق ،مدوراسنادومدارک تحصیلی وگواهینامه های  
فنی ورایگان بودن امرکفن ودفن ؛

۱۰- ممنوعیت ازدواج دختران وپسران کمتر از ۱۸ سال و  
آزادی تمام افرادبالاتر از ۱۸ سال درتشکیل خانواده  
به اراده خود ؛ برسمیت شناخته شدن ازدواج ازطریق  
شیت دردفا تردولتی ؛ ممنوعیت تعدد زوجات ، برابری  
حقوق زن ومرد در امر طلاق وتکفل فرزندان .



ما همچنین به منظور تسهیل امر بسط مبارزه طبقاتی در  
روستا وبسالابردن رفاه زحمتکشان روستا ، برنامۀ ارضی  
زیر را اعلام میداریم :

بدنبال اصلاحات امپریالیستی سالهای ۴۰ ،  
توده های وسیعی از دهقانان از مالکیت زمین ودیگر  
وسائل عمده تولید جدا شده وبصورت کارگران مزدی روانه  
بازار کار شده اند . همچنین اقشار زیادی بصورت دهقانان  
فقیر خرده پاشی ( نیمه پرولتر ) درآمده اند که درآمدشان از  
تکه زمینی که دارند کفاف حداقل معیشتشان را نکرده و  
ناچار از فروش نیروی کار خویش در قسمتی از سال میباشدند .  
مسئله ارضی به مفهوم برجیدن قیدوبنده های  
فئودالی بر سورا هر شد سرمایه داری در روستا ، از میان  
رفتن اقتصاد طبیعی وجایگزین شدن اقتصاد کالائی بجای

آن و "آزاد" شدن و کالاشدن نیروی کار حل شده است، و در این معنای مسئله ارضی دیگر مضمون اقتصادی انقلاب دمکراتیک را تشکیل نمیدهد.

تصاحب زمین های وسیع توسط بورژوا - ممالکان و آهنگ کنند انباشت سرمایه در روستا، زمینیه مادی خواست ارضی را از جانب زحمتکشان روستا در شرایط کنونی تشکیل میدهد. بحران فعلی سرمایه داری ایران که موجب تشدید بیکاری در سطح جامعه گردیده، خواست ممالک ارضی را افزایش داده است.

از این رو ما اعلام میداریم که:

۱- از جنبه های انقلابی و دمکراتیک جنبش دهقانی، منجمله از ممالک ارضی توسط زحمتکشان روستا حمایت میکنیم و اقدامات شورائی و ارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق روستائی را در اداره و بهره برداری از ارضی بر رسمیت می شناسیم.

شکل پیشنهادی ما برای بهره برداری صحیح از زمین، منابع و وسائل تولید کشاورزی در جهت منافع عمومی و بخصوص منافع زحمتکشان، با در نظر گرفتن ویژگیهای موجود در نظام مالکیت و روشهای تولید و بهره برداری در مناطق مختلف کشور، تعیین میشود. اما، بعنوان یک اصل کلی، از آن شیوه ها و اشکال اداره و بهره برداری حمایت میکنیم که حداکثر کمک را به امر تشکیل پرولتاریای روستا و همچنین یکا رگیری روشهای پیشرفته تولیدی بنماید.

۲- میکوشیم تا همراه با تبلیغ مستمر سوسیالیسم بمثابه راه حل نهائی از میان بردن فقر و استثمار و توضیح همسرنوشتی کارگران روستا با پرولتاریای شهر،

پرولتاریای روستا را در تشکیلات مستقل طبقا تسی اش سازماندهی کرده و او را در کسب و اعمال رهبری درشوراها و ارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق روستایی و در تعیین چگونگی اداره و بهره‌برداری از اراضی مصادره شده حمایت و رهبری نمائیم.

۳- ما خواستار لغو کلیه دیون و بدهی‌های دهقانان به زمینداران، دولت و بانکها هستیم.

۴- جمهوری دمکراتیک انقلابی کلیه اراضی شهری و روستایی، جنگلها، آبها و منابع با اهمیت ملی را در سراسر کشور ملی خواهند نمود. منظور از ملی کردن اینست که کلیه اراضی و منابع تحت مالکیت دولت قرار گیرد، اما حق بهره‌برداری و واگذاری آن در اختیار ارگانهای دمکراتیک محلی و منطقه‌ای مردم باشد.



ما برای تضمین اهداف و تأمین خواسته‌های اقتصادی و رفاهی فوق انجام اقدامات زیر را از جانب جمهوری دمکراتیک انقلابی ضروری میدانیم:

۱- در اختیار گرفتن صنایع و مؤسساتی که هم‌اکنون در دست دولت است؛

۲- ملی کردن بانکها و ادغام آنها در یک بانک واحد دولتی و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن؛

۳- ملی کردن شرکتهای بیمه و ادغام آنها در یک شرکت واحد بیمه و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن؛

۴- برقرار کردن کنترل شوراها و کارگری بر تولید در

صنایع خصوصی و دولتی؛ نظارت شوراهای دمکراتیک  
مردم بر امر توزیع کالاها؛ کنترول شوراهای دمکراتیک  
مردم بر تجارت خارجی.

۵- ملی کردن موقوفات و مقررداشتن مالیات تصاعدی بر  
ارث و دارائی و بردارآمدهای حاصل از مالکیت وسائل  
تولید و مبادله .



ما قاطعانه اعلام میداریم که تا مین پیگیر و همه جانبه  
مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل پرولتاریای ایران تنها از  
طریق جمهوری دمکراتیک انقلابی ممکن خواهد بود. از اینرو ما  
با تمام احزاب و جریانات رفرمیستی که گسترش دخالتهای پلیسی  
و بوروکراتیک دولت در زندگی توده‌های مردم را بعنوان گامی  
به پیش تبلیغ میکنند، پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد. در عین  
حال از هر جنبشی که مخالف نظام اجتماعی - سیاسی موجود بوده  
و بنحوی انقلابی در راه تحقق تمام یا قسمتی از نکات برنا مسه  
حداقل مبارزه کند، پشتیبانی نمیکنیم.



# پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!

www.iran-archive.com

۵۰ ریال



کومله

انتشارات کومله